

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۲/۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۳/۲۹

گلنار علی بابایی^۱، محمدعلی رجیبی^۲

جبرئیل از منظر آموزه‌های دینی و عرفانی اسلامی و نمود آن در معراج‌نامه میرحیدر و نگاره معراج سلطان محمد^۳

چکیده

فرشتگان در تصاویر نگارگری به سبب کارکردشان در ابلاغ وحی با پیامبران، به‌خصوص پیامبر اکرم (ص)^۴ ترسیم شده‌اند، به‌ویژه فرشته‌ای چون جبرئیل که به خاطر اوصاف و نقش مهمش بارها در نگاره‌ها حضور پیدا می‌کند. روایت قرآنی معراج پیامبر (ص)^۵ رایج‌ترین مضمون شیعی در حوزه نگارگری ایرانی-اسلامی است که همواره بستری مناسب برای خلاقیت هنرمندان نگارگر ایرانی را فراهم نموده است. معراج‌نامه میرحیدر، مصور شده در دوره تیموری و نگاره معراج، اثر سلطان محمد منقوش در دوره صفوی، رقعه‌هایی بی‌نظیر در عرصه هنرهای دینی با مضمون عرفانی محسوب می‌شوند. بنابراین پژوهش حاضر سعی در پاسخ دادن به این مسئله را دارد که جبرئیل در نگاره‌های مورد نظر دارای چه ویژگی مهمی است؟ در این راستا، ابتدا طبق مطالعات کتابخانه‌ای، به بررسی جبرئیل و اوصافش و نیز تفسیر نقش این ملک مقرب در منابع اسلامی پرداخته و سپس بازتاب آن را در نگارگری مشاهده می‌کنیم. مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی در پی یافتن ویژگی نقش جبرئیل با توجه به آموزه‌های دینی و عرفانی در رقعه‌های مورد نظر است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در این نگاره‌ها، جبرئیل به‌عنوان هدایتگر رسول‌الله (ص)^۶ با توجه به اوصاف قرآنی‌اش و روایت‌های دینی و عرفانی به تصویر درآمده است و نسبت به سایر فرشتگان دارای وجوه خاصی است.

کلیدواژه‌ها: جبرئیل، آموزه‌های دینی و عرفانی، نگارگری اسلامی، معراج‌نامه

۱. کارشناس ارشد هنر اسلامی دانشگاه شاهد، تهران. مربی دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان البرز (نویسنده مسئول)

E-mail: galibabaei@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده هنر دانشگاه شاهد، تهران

E-mail: m.a_rajabi@yahoo.com

۳. این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول با عنوان «تحلیل رمزشناسه عددی بر اساس آموزه‌های عرفانی در نگاره معراج سلطان محمد تبریزی» به راهنمایی دکتر محمد علی رجیبی در دانشگاه شاهد است.

مقدمه

هنر نگارگری ایرانی هنری برخاسته از باور اسلامی است. هنر اسلامی هنری روحانی و معنوی است که نگاهی ماورایی به جهان و دنیای مادی دارد. هنرمند مسلمان با چنین باوری به خلق اثر هنری می‌پردازد. جبرئیل به‌عنوان فرشته‌ی خاص، یکی از نمادهای دینی است که در نگاره‌های ایرانی از او بهره گرفته شده است. تصویر جبرئیل در حال وحی به حضرت رسول (ص) و یا در حال عروج با آن حضرت به معراج (که نشان از اهمیت و جایگاه رفیع جبرئیل است) در نگارگری اسلامی-ایرانی فراوان مشاهده می‌شود، چراکه داستان زندگی پیامبر اسلام (ص) و ثبت وقایع تاریخی زندگانی آن حضرت، به‌خصوص معراج همواره موضوعی بسیار جذاب برای هنرمندان ایرانی بوده است و بسیاری این صحنه را به تصویر درآورده‌اند. جبرئیل نمادی جهانی هست که دارای وسعت مفاهیم و افعال است و در ادیان مختلف و فرهنگ‌های مختلف از او نام‌برده شده و افعال و اعمالی را به او نسبت داده‌اند که از عالم بالا و ماوراءالطبیعه حکایت دارد. این ملک مقرب بر حضرت آدم (ع)، دانیال نبی (ع)، زکریا (ع) و دیگر پیامبران نازل شده و هم بر مریم مقدس (س)؛ اما نزولش بر حضرت محمد (ص) واقعیتی است که قرآن و روایات اسلامی فراوان از او سخن گفته‌اند. همچنین عرفا و فلاسفه مسلمان ویژگی خاصی برای جبرئیل قائل بوده‌اند. بنابراین در مقاله پیش‌رو جهت درک صحیح این موضوع و کشف حقیقت جبرئیل (این موجود مجرد و برزخی) که از رموز و اسرار الهی است، کیست و چرا در نگارگری اسلامی-ایرانی با این اوصاف ترسیم شده است؟ ابتدا توصیفات قرآنی و نیز عرفانی ایشان مورد بررسی قرار گرفته و سپس به تحلیلی تصویری و معنایی در رابطه با ماهیت جبرئیل در نگارگری اسلامی که موضوع را روان و قابل‌فهم نماید و دل به حقیقت حق پی برد پرداخته می‌شود تا ویژگی نقش جبرئیل در هنر اعلی و قدسی نگارگری اسلامی-ایرانی در نگاره‌های معراج نمایان شود. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی به انجام رسیده و تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌صورت مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی تصویر نگاره معراج سلطان محمد و نیز از بین ۶۱ نگاره معراج‌نامه میرحیدر^۱ نمونه‌گیری و به‌صورت انتخابی صورت پذیرفته است و تحلیل معنایی و عرفانی موضوع نسبت به خصوصیات مشابه جبرئیل در نگاره‌ها به‌صورت جداولی ارائه شده است.

پیشینه پژوهش

با مطالعات انجام‌شده درباره موضوع پژوهش حاضر چنین دریافت شد که در کتاب المیزان نوشته علامه طباطبائی، آیات قرآن کریم در مورد جبرئیل و القابش ترجمه و تفسیر شده است و نیز منطبق با روایات دینی در باب نام و خصوصیات جبرئیل و توصیفاتش، کتبی همچون اصول کافی به قلم ثقة‌الاسلام کلینی، آسمان و جهان به قلم علامه مجلسی، معراج‌نامه اثر ابوعلی سینا با تعلیق نجیب مایل هروی، به نگارش درآمده و در مورد معراج‌نامه، کتاب سیر تحول معراج‌نگاری حضرت محمد (ص) از عصر ایلخانی تا صفوی، تألیف دکتر علی‌اصغر جوانی، به بررسی تاریخ و نوع معراج‌نگاری

در دوره‌های مورد نظر پرداخته است و نیز معراج‌نگاری نسخه‌های خطی تا نقاشی‌های مردمی با نگاهی به پیکره‌نگاری حضرت محمد^(ص) نوشته هلنا شین دشتگل، در رابطه با خصوصیات، سبک، نحوه ترکیب‌بندی و رنگ‌های معراج‌نامه‌ها سخن به میان آورده است. کتابی نیز با تألیف محمدرضا تابعی تحت عنوان نگاره‌هایی از معراج حضرت محمد^(ص)، به مباحثی چون ادله نگارگری اسلامی، فلسفه نگارگری، بررسی و تحلیل مؤلفه‌های تصویری در ارتباط با مضامین معراج در نگاره‌ها پرداخته است. همچنین پژوهش‌هایی علمی در خصوص معراج و نگارگری صورت پذیرفته است، از جمله مقاله تطبیق بینامتنی تصویرهای دره از کمدی الهی با نسخه مصور معراج‌نامه شاهرخ به قلم ندا وکیلی که به مقایسه و خوانش بینامتنی رابطه و تشابهات از لحاظ محتوا و مضمون بین تصاویر کمدی الهی دانته و معراج‌نامه شاهرخ پرداخته، مقاله‌ای با عنوان رمزشناسی معراج جبرئیل نوشته بهنام کامرانی، برخی نگاره‌های معراج را از نظر ترکیب‌بندی مورد بررسی قرار داده است. مقاله بررسی تطبیقی نگاره در راه اورشلیم و نگاره معراج سلطان محمد (با تأکید بر پیامبر، جبرئیل و براق) نوشته ابوالقاسم داور و محمد محمدی‌خواه و الهام حسینی، مقایسه‌ای بین این دونگاره از لحاظ ساختار و ترکیب‌بندی انجام داده و سپس به تأثیر عوامل شیعی بران پرداخته است. مقاله دیگری با عنوان بررسی جبرئیل در حکمه‌الاشراق سهروردی و هنر نگارگری ایرانی به قلم مریم مولوی به بررسی جبرئیل در آراء سهروردی و بازتاب آن در نگارگری پرداخته است. تحقیقاتی نیز توسط خانم کریستین گرابر استادیار هنر اسلامی در دانشگاه میشیگان انجام شده که بیشتر در خصوص به تصویر کشیدن چهره پیامبر اسلام^(ص) در نگاره‌ها و نظر ایشان مبنی بر اینکه در واقع این تصاویر به قصد نمایش خصوصی کشیده شده‌اند تا از بت‌پرستی جلوگیری شود. در پژوهش‌های این نویسندگان با نگاهی به توصیف و خصوصیات جبرئیل تفاسیری در مورد این ملک مقرب و اهمیت حضورش در معراج پیامبر^(ص) گفته شده و تحقیقات دیگر نیز هرکدام جبرئیل را از لحاظ جنبه‌های تصویری و مفاهیم معنوی در نگارگری مورد بررسی قرار داده‌اند. اما هیچ‌کدام به تطابق خصوصیات و مقام جبرئیل از دیدگاهی دینی و عرفانی با نقش جبرئیل در نگاره‌های معراج نپرداخته‌اند. لیکن پژوهش حاضر با نظر به بررسی آیات قرآنی و روایات دینی و آموزه‌های عرفانی اسلامی ته‌نقش و جایگاه جبرئیل در معراج و ظهور آن در هنر قدسی و نگارگری اشاره داشته و به تطبیق این توصیفات با رقع‌های مورد نظر پرداخته و القاب جبرئیل را با صورت ظاهری و جایگاه او در نگاره‌ها از نظر باطنی مورد ارزیابی قرار داده است.

جبرئیل در لغت

واژه جبرئیل در کتابت به گونه‌های مختلف نوشته شده است؛ از جمله: جبریل، جبریل، جبرئیل، جبرائیل، جبرین، جبرین، جبرائیل. در فرهنگ‌نامه‌ها جبرال و جبرال و جبرول نیز دیده می‌شود (دهخدا، ۱۳۴۶: ۱۸۹). اما رایج‌ترین لفظ همان واژه جبرئیل است. در قاموس قرآن به نقل از مجمع‌البیان آمده: جبرئیل و میکائیل هر دو عجمی‌اند که معرب شده‌اند و در معنای آن فرموده‌اند «جبر» در لغت سریانی به معنای بنده و «ایل»

به معنای خداست (قریشی، ۱۳۷۲: ۶-۵). جبر در زبان‌های حبشی، سریانی، آرامی و عبری به معنای مرد، قهرمان و دلاور است و جبرئیل در این زبان‌ها مرد خدا و قهرمان خدا معنا می‌شود. صاحب کتاب ناظم‌الاطباء معتقد است این اسم عربی است و تلفظات مختلفی دارد. جبرعیل (با عین) اسم عربی جبرئیل است اما جبرئیل (به کسر جیم) فارسی و مأخوذ از تازی است، یعنی همان فرشته وحی (موسوی، ۱۳۹۳: ۵۱).

جبرئیل ملکی از ملائک مقرب و مقرب‌ترین فرشته الهی است و خداوند در قرآن کریم بارها از وی با الفاظی حکیمانه و اوصافی بی‌نظیر یاد نموده است. در فرهنگ اسلامی فرشتگان به دسته‌ای از مخلوقات اطلاق می‌شوند که هر گروه از آنان طبق برنامه و نظم خاصی به انجام وظایف مشغول هستند. جبرئیل امین وحی است و به نام‌های روح الامین، روح القدس، ناموس اکبر، طاووس الملائکه، طاووس عرش، عقل اول معروف است. برای او شش بال ذکر کرده‌اند که هر کدام خود به صد بال دیگر منتهی می‌شود. جبرئیل، از مصادیقی است که در رابطه با نماد طاووس مطرح شده و در روایت است که پیامبر (ص)، در تفسیر کلمه روح الامین در سوره شعرا، آن را به جبرئیل با بال‌های گشوده همچون طاووس، تأویل نموده‌اند (مجلسی، ۱۳۵۱: ۲۱۸). جبرئیل در قرآن کریم فقط در سه آیه با لفظ جبریل آمده: ۱. قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ [...] ۲. مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ [...] ۳. وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلَ [...] (بقره: ۹۷-۹۸: تحریم: ۴).

اوصاف قرآنی جبرئیل

«إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَ عَلَىٰ وَالِدَيْكَ إِذْ آتَيْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ» (المائدة: ۱۱۰). در کتاب مقدس آمده است: آن را «روح» گویند زیرا مبدع حیات است و مقدس گویند زیرا یکی از کارهای مخصوص او آن است که قلوب مؤمنین را تقدیس می‌فرماید و به واسطه علاقه‌ای که به خدا و مسیح دارد او را روح‌الله و روح‌المسیح نیز گویند (موسوی، ۱۳۹۳: ۵۱). قدس به معنای طهارت و پاکی است، یعنی روحی که از قساوت‌ها و پلیدی‌های مادی ظاهر و از خطاء منزه است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴۹۸/۱۲). در سوره بقره آیه ۸۷ و ۲۵۳ در مورد روح القدس می‌فرماید (وَ آتَيْنَا عِيسَىٰ بَنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ آيَاتِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ [...] (بقره: ۲۵۳ و ۸۷) و عیسی پسر مریم را معجزات آشکار دادیم و او را به روح القدس نیرو بخشیدیم) (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳۷۴/۲: ۴۹۰).

«وَ إِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ» (الشعراء/۱۹۳-۱۹۲). در این آیات شریفه فرشته وحی با عناوین «روح» و «امین» توصیف شده است. «روح»، اشاره دارد به مجرد بودن و روحانیتش و اینکه او سرچشمه حیات و زندگی است. «امین»، نیز شرط اصلی هدایت، رهبری و پیغام‌رسانی است. مراد از روح الامین، جبرئیل (ع) است، او فرشته وحی می‌باشد به دلیل آیه قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ (نحل: ۱۰۲) بگو روح القدس آن را از ناحیه پروردگار بر من به حق نازل کرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۴۴۸).

«أَنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولِ كَرِيمٍ * ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ * مُطَاعٌ ثَمَّ أَمِينٍ» (تکویر: ۲۱-۱۹) خداوند در این مقام جبرئیل را به شش صفت توصیف کرده: اول، او را رسول خوانده، زیرا قرآن را به رسول خدا (ص) وحی می‌کند و دوم، کریمش خوانده، که می‌رساند نزد

خدای تعالی کرامت و احترام دارد و به اعزاز او عزیز شده، سوم، ذی قوتش خواننده، چون او دارای قوت و قدرت و شدت بالغه‌ای است و چهارم، او را نزد خدای صاحب عرش، مکین خوانده، یعنی دارای مقام و منزلت است، پنجم، «مطاع ثم» اش خوانده، که دلالت دارد بر اینکه جبرئیل نزد خدا دستوردهنده‌ای است، که ملائکه دستوراتش را به کار می‌بندند و اطاعتش می‌کنند و ششم، او را امین خوانده، زیرا جبرئیل در دستورات خدا و رساندن وحی و رسالت، دخل و تصرفی نمی‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۵۷/۲۰).

«عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ۖ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ» (نجم: ۶-۵) فرشته وحی باید صاحب قدرت و مکانت ویژه‌ای باشد تا بتواند رسالت الهی را به نحو احسن انجام دهد. جبرئیل درباره قدرت فوق‌العاده خویش می‌فرماید: نحوه قدرت من از این‌گونه است که مأمور نابودی شهرهای قوم لوط شدم و آن، چهار شهر بود و در هر شهر چهارصد هزار مرد جنگجو وجود داشت. من این شهرها را از میان برداشتم و به آسمان بردم و تا آنجا که فرشتگان آسمان صدای حیوانات آن‌ها را شنیدند و سپس به زمین آوردم و زیرو رو کردم. همچنین در غزوه بدر با هزاران فرشته به مدد پیامبر (ص) و مولا علی (ع) و یاران او آمد. شاید به همین جهت باشد که در پاره‌ای از منابع جبرئیل را مترادف با «قوة الله» دانسته‌اند (موسوی، ۱۳۹۳: ۵۱). ذومرّه وصف کسی است که صاحب کمال عقل و درایت باشد. ذومرّه به استواری فکری و بصیرت جبرئیل اشاره دارد. لازم به ذکر است واژه روح در آیات قرآن، با جبرئیل متفاوت است. بنا به روایتی، سعداسکاف گوید: مردی خدمت امیرالمؤمنین (ع) آمد و درباره روح پرسید: آیا او همان جبرئیل است؟ امیرالمؤمنین (ع) فرمود: جبرئیل (ع) از ملائکه است و روح غیر جبرئیل است. ملائکه روح را فرومی‌آورند، پس روح غیر از ملائکه (ع) می‌باشد^۲ (کلینی، ۱۳۷۹: ۱۹/۲).

حقیقت و ویژگی جبرئیل در روایات دینی و آموزه‌های عرفانی اسلامی

حضرت امام سجاد (ع) در صحیفه (حاملان عرش) و ویژگی سه ملک را بیان می‌کند، اسرافیل و میکائیل و جبرئیل را و در بیان ویژگی جبرئیل می‌فرماید: وَ جَبْرِيْلُ الْاَمِيْنُ عَلٰى وَحِيْكَ الْمَطَاعُ فِيْ اَهْلِ سَمَوَاتِكَ، الْمَكِيْنُ لِدِيْكَ الْمُقْرَبُ عِنْدَكَ؛ و جبرئیل که امین وحی توست و مطاع اهل آسمان و صاحب شأن و منزلت در پیشگاه و مقرب نزد تو. (صحیفه، ۱۳۹۳، دعای ۳: ۳۵-۳۴). جبرئیل مأمور ویژه وحی و تعلیم و رساندن سخن خدای سبحان به بندگان اوست. این فرشته بزرگ با قوه ناطقه و ادراک ارتباط دارد و اگر او نبود هیچ‌کس نمی‌توانست معنایی از معانی را با بیان و گفتار استفاده کند و قلب کسی الهام حق و القای آن را در سویدای دل نمی‌پذیرفت. امام (ع) از چهار ویژگی این فرشته بزرگ یاد کرده است: ۱. امین وحی الهی است؛ (الامینُ علی و حیک). یعنی آنچه از علم و قدرت از مبدأ ربوبی به وی می‌رسد، به دیگر حقایق؛ عالم انوار و نفوس و مواد در حد ظروف استعدادها و قابلیت‌ها می‌رساند و از رازداران و کلیدداران غیب است. ۲. مطاع آسمانیان؛ (المطاعُ فی اهلِ سَمَوَاتِكَ). دیگر فرشتگان و قوای قاهر عالم انوار برتر، همه فرمان‌بردار اویند و از اراده و فرمان وی تجاوز نمی‌کنند. ۳. برخوردار از جایگاهی والا در پیشگاه خدا؛ (المکینُ لدیک). به جهت برخورداری از این ویژگی است که علم و قدرت و وحی از پرتو عرش علم و قدرت خداوند به وی می‌رسد و او به نفوس مستعد

و آماده می‌رساند. ۴. مقرب درگاه الهی؛ (المُقَرَّبِ عِنْدَكَ) این ویژگی‌ها بیانگر آن است که موجود هرچه بسیطر و مجردتر باشد، نیرومندتر و نزد خدا مقرب‌تر خواهد بود. برای همین خدای تعالی حضرت جبرئیل را گاهی روح الامین، گاهی روح القدس، گاهی نیز شدیدالقوی و... نامیده است (یوسفیان، ۱۳۹۰: ۲۴-۲۳).

به فرمایش قرآن (بقره: ۹۷)، جبرئیل قرآن را بر قلب پیامبر نازل می‌کند. او به صورت شخصی بر پیامبر نازل می‌شود و بنا بر بعضی روایات پیامبر تنها صدای او را می‌شنود (صفرزاده، ۱۳۹۳: ۵۵). در مجمع‌البیان آمده است: رسول خدا (ص) فرمود: موقعی که در مکه بودم، جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد! برخیز. من برخاسته با او به طرف درب رفتیم و دیدم که میکائیل و اسرافیل نیز با او آمده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۴/۱۳) و در وصف جمال جبرئیل فرمود: او را دیدم سفیدتر از برف با روی خوب و موی جعد و بر پیشانی او (لا اله الا الله محمد رسول الله) نوشته و او را هفتاد هزار پَر بود، بعضی از یاقوت و بعضی از مروارید که شعاع یکی از آن، نظرها تیره کردی و بصرها خیره؛ یعنی چندان صفا و جمال و خوبی داشت که اگر اثری از آن بر حاسه ظاهر شود آن حاسه پیش از آنکه احساس اشعه اثر کند متلاشی گردد (ابوعلی سینا، ۱۳۶۶: ۱۳۸).

در آیات «ذُومِرَةٌ فَاسْتَوَىٰ* وَهُوَ بِالْأَفْقِ الْأَعْلَىٰ* ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ» (نجم: ۸-۶) کلمه «فَاسْتَوَىٰ» به معنای استقامت و مسلط شدن بر کار است و فاعل این فعل جبرئیل است، یعنی؛ جبرئیل به همین صورت اصلی‌اش که به آن صورت خلق شده درآمده. هم‌چنان‌که در روایت هم آمده که جبرئیل برای رسول خدا (ص) به صورت‌های مختلفی ظاهر می‌شد و تنها دو نوبت به صورت اصلی‌اش خود را به آن جناب نشان داد. «بالافق‌الاعلی» در بلندترین افق جای گرفته [...] ظاهراً مراد از آن افق اعلای آسمان است. ضمیر «هو» به جبرئیل و یا به رسول خدا (ص) برمی‌گردد و جمله حال از ضمیر در «استوی» است. «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ» کلمه «دنو» که مصدر فعل «دنی» است به معنای نزدیکی است و کلمه «تدلی» به معنای بسته شدن و آویزان گشتن به چیزی است، ولی به‌طور کنایه در شدت نزدیکی استعمال می‌شود؛ بنابراین که دو ضمیر به جبرئیل برگردد به این معناست که: جبرئیل سپس نزدیک رسول خدا (ص) شد و به دامن وی دست آویخت تا با آن جناب به آسمان‌ها عروج کند و بعضی گفته‌اند: یعنی جبرئیل از افق اعلی پائین آمد و به رسول خدا (ص) نزدیک شد تا آن جناب را به معراج ببرد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۳-۴۵/۱۹).

«وَلَقَدْ رَأَهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ* عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ» (نجم: ۱۴-۱۳) او را یکبار دیگر دیده بود نزد سدره‌المنتهی و جمله عند سدره‌المنتهی ظرفی برای رؤیت است و مراد از رؤیت هم رؤیت آن جناب است جبرئیل را به صورت اصلی‌اش (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۹/۱۹). به گفته فناری، مقام جبرئیل در سدره‌المنتهی است و آن مقام، برزخی میان عالم طبیعت عنصری و عالم طبیعت کلی ثابت است که مختص است به عالم مثال و عرش و کرسی و آنچه مشتمل بر آن‌ها است. به نقل از دستغیب، مکان سدره مقامی است فوق جمیع مقامات که منتهی‌المقامات چون منتهای صعود ملائکه است و ملائکه‌ای که عمل مؤمنین را بالا می‌برند از سدره‌المنتهی بالاتر نمی‌برند، ملائکه حتی جبرئیل هم که رئیس‌الملائکه است نمی‌تواند بالاتر رود (دستغیب، ۱۳۸۵: ۶۷).

جبرئیل یکی از بزرگ‌ترین مظاهر عقلی می‌باشد و واسطه علوم و معارف الهی است. بنابراین، جبرئیل که فرشته مخصوص وحی است، به وسیله وحی الهی و علوم و معارف، جان پیامبران، به خصوص پیامبر اکرم (ص) را سیراب می‌کند. به نقل از ابن عربی، رسول و نبی در حین وحی، فرشته را شهود کرده و می‌دیدند. جبرئیل وحی قرآنی را از عالم وحدت و معنا به عالم کثرت و صورت می‌رساند (کمره‌ای، ۱۳۹۱: ۱۱۳-۱۱۲). جبرئیل که هویتی عقلی دارد و از فرشتگان و ارواح مسخره است، برای اینکه بتواند وظیفه خاص خود را که رساندن قرآن از عالم وحدت و معنا به عالم کثرت و صورت است، انجام دهد، باید از عالم ملکوت به عالم مثال تنزل کند. از این رو، باید عالم مثال ظهور پیدا کند و نفس رحمانی از کانال حقایق عقول و فرشتگان که دارای قوا و نیروهای روحانی و عقلی هستند، عالم مثال را ظاهر کند، بر این اساس، حقیقت جبرئیل که دارای ششصد قوه و نیروی روحانی و عقلی است، در عالم مثال منفصل، به صورت موجودی که بر اساس روایت، دارای ششصدبال است، ظهور می‌کند (همان: ۱۱۶). در تفسیر قمی آمده، امام صادق (ع) فرمود: خداوند ملائکه را مختلف خلق کرد، وقتی جبرئیل نزد رسول خدا (ص) آمد، ششصدبال داشت و بر ساق پایش درّی بود چون قطره شبنمی که روی گیاهان می‌افتد، آن قدر بزرگ بود که بین آسمان و زمین را پُر می‌کرد؛ و فرموده‌اند: خدای عزّ و جلّ، اسرافیل و جبرئیل و میکائیل را از یک تسبیح آفرید و برایشان گوش و چشم و تیزی عقل و سرعت فهم قرار داد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۷/۱۷).

حقیقت جبرئیل در هنر قدسی

معرفت «هنر مقدس» از معرفت صورت آغاز می‌شود، اساساً «هنر دینی» شرح سیر و سلوک هنرمندانی است که در عوالم وجود، شاهد عینی را به ذوق حضور یافته‌اند تا به «حقیقت معنوی» آن هنر نائل آیند و نیز بیان «انس» و «وَدادی» است که هنرمندان با فرشتگان، انبیاء و اولیاء و عالم جن و انس و حیوان و نبات و جماد و عناصر داشته‌اند. عالم «هنر قدسی» صرف عالم دنیا و طبیعت بی‌جان نیست، بلکه همه مراتب عالم، در این هنر جلوه‌گری می‌کند (مددپور، ۱۳۹۰: ۴-۲۸۲/۳). امر قدسی حاکی از تجلی عوالم برتر در ساحت‌های نفسانی و مادی وجود، امر ابدی در نظام فانی و مرکز در محیط است. همه آنچه مستقیماً از عالم روحانی سرچشمه می‌گیرد، عالمی که فوق عالم نفس قرار دارد و آنچه انسان را به عالم روحانی بازمی‌گرداند نیز نشان از تقدس دارد... تعبیر قدسی هنگامی که در مورد هنر به کار می‌رود صرفاً بیانگر آن گروه از تجلیات سنتی است که به‌طور بی‌واسطه با میانی معنوی مذکور ارتباط دارند. از این رو، هنر قدسی دارای پیوند نزدیکی با اعمال و شعائر دینی است که از مضمون دینی و مفهوم رمزی معنوی برخوردارند (نصر، ۱۳۹۴: ۷۸).

عرفا متناظر با عوالم برای جان آدمی مراتبی قائل بوده‌اند. این عوالم که ساحات ظهور حقیقت‌اند در مقام هنر حقیقی و مشاهده معنوی و روحانی به قوه خیال و صور خیالی ابداع می‌شوند. به عبارتی صورت خیالی میدانی فراتر از صور عالم مثال دارد. هنرمند هنگامی که تصویر مثالی و خیالی فرشتگان را که موجودات ملکوتی آسمانی‌اند به چشم دل مشاهده می‌کند، آماده فرا رفتن از صورت خیالی می‌شود (مددپور، ۱۳۸۶:

۴۳۰-۴۲۹). در راز آموزی فرشته / عقل، سهروردی در سیر نزولی، همه موجودات عالم را از آواز پَر جبرئیل می‌داند و در سیر صعودی همه نغمات و نقوش زیبا و همه علوم و معارف را از صفیر سیمرخ (فرشته وحی) می‌داند (سهروردی، ۱۳۷۲: ۱۲۷). در نگارگری، ما گویی با دیدی اخروی به جهان مثالی می‌نگریم، از همین رو در این عالم مثالی، فرشتگان توان ظهور می‌یابند و در قالب‌ها و هیأت‌های مختلفی که نفس خلاق برایشان برمی‌گزیند، نمود می‌یابند (مولوی، ۱۳۹۲: ۶۹). نگارگری هنری «معنوی و دینی» مربوط به جهان برزخی و یا عالم خیال است که مافوق عالم جسمانی قرار گرفته، همان جهانی که طبق نظر حکمای اسلامی مانند ملاصدرا، مقرر بهشت است و به همین جهت این هنر می‌کوشد تا همان بهشت عدن را با تمام زیبایی‌ها و الوان و اشکال مسرت‌بخش خود جلوه‌گر سازد (مددپور، ۱۳۸۶: ۴۱۸). هانری کربن نیز در این باره می‌گوید: این رازهای باشکوه و این عالم روحانی، نگارگری را بهترین موطن تجلی خود می‌یابد که صداها، رنگ‌ها و رؤیاهای ما در آن ساخته می‌شود. این عالم تصویر شده، عالمی روحانی و نامرئی در پرتو همین روحانیت و نامادی بودن این جهان است که تصاویر و صور این جهان مثالی را صور معلقه یعنی صوری نامیده‌اند که بستر مادی معینی ندارد (مولوی، ۱۳۹۲: ۶۸).

فضا در نگارگری ایرانی در واقع نمودار فضایی ملکوتی و بهشتی است و اشکال و رنگ‌های آن جلوه‌ای از اشکال و رنگ‌های عالم مثالی است. رنگ‌ها مخصوصاً طلایی و آبی کبود و فیروزه‌ای، صرفاً از ذوق هنرمند سرچشمه نگرفته است، بلکه نتیجه رؤیت و شهود واقعیتی است «عینی» که به عالم مثال تعلق دارد (نصر، ۱۳۹۴: ۱۹۴). در آثار نگارگران مسلمان و آراء فیلسوفان و عارفان یک وحدت موضوعی برقرار است که طی قرن‌ها با توسل به قرآن و روایات، وجهی منسجم و یکپارچه می‌یابد. با این نگاه، اسلام پیوندی بین فلسفه و عرفان با هنر اسلامی برقرار نموده، به همین علت است که در بیان مفهوم جبرئیل ما با بیانی واحد و با شیوه‌ای متفاوت، یکی در کلام فلسفی و عرفانی و دیگری در بیان هنری مواجه هستیم.

ماهیت جبرئیل و فرشتگان در دوران اسلامی

هنرمند نگارگر با عدم گرایش به انسان‌گرایی طبیعی و عینی در بازنمایی حالات انسان‌ها در اثر خود سعی می‌کند به اصول و قوانین مذهبی متکی باشد. هنر اسلامی با حذف هرگونه تصویر انسان‌نگارانه، در حوزه دین به بشر یاری می‌رساند تا کاملاً خودش باشد. هدف هنر اسلامی ایجاد فضایی است که بشر را در مسیر شناخت شأن ازلی خویش یاری رساند؛ پس از هر آنچه به‌طور موقت به‌صورت بت درآید پرهیز می‌کند. این‌چنین، هنر اسلامی فضایی تهی می‌آفریند که میبایست توازن، صفا و آرامش است (بورکه‌ارت و دیگران، ۱۳۷۰: ۱۶). هنرمند برای ترسیم فرشتگان در نگارگری به مدد بهره‌گیری از لوازم مادی و واقعی این عالم دست به خلق عالمی غیرمادی و ماورایی می‌زند که در آن موجودات نامحسوس، محسوس می‌شوند. این فضا در نگارگری جایگاه فرشتگان بالدار با هاله‌های نورانی است و نادیده را تصویر می‌کند. برای ظهور و تجلی فرشتگان نیاز به چنین فضای آسمانی و بدون سایه، بسیار ضروری است و

این امر ممکن نمی‌شود مگر با بهره‌گیری از عالم مثال که موطن این موجودات مجرد و روحانی است (مولوی، ۱۳۹۲: ۶۸). بنابراین نگارگر ایرانی دست به خلق عالمی قدسی می‌زند و نگاه بیننده را از جزئی به جزء دیگر هدایت می‌کند تا به تدریج وارد فضای کلی اثر شود. هنرمند با استفاده فراوان از نشانه و تمثیل به صورت غیرمستقیم در خدمت معیارهای معنوی و دینی برخاسته از تفکر اسلامی با زبانی شاعرانه و خیال‌انگیز، عالم مثال را که میان دو جهان معقول و محسوس قرار دارد به تصویر می‌کشد. نگارگر به دنبال به تصویر کشیدن اصل و جوهر طبیعی اشیا است (پاکباز، ۱۳۹۳: ۵۹۹).

تصویر جبرئیل در نگارگری حقیقت جبرئیل نیست بلکه سمبلی است که هر هنرمند با حس شهودی خود و ارتباط معنوی خود به ما می‌نمایاند. این تصاویر سایه‌ای از حقیقتی متعالی و ماوراء این جهان است. سمبل اینجا در مقام دیداری است که از مرتبه خویشت نزول کرده [دارای شکل انسانی و ابزار این جهانی شده، بال و تاج و ردا و لباس‌های رنگارنگ با فضاهای این جهانی ترسیم شده]. در مجموع فضای نگارگری فضای عالم مثال است، یعنی همان جایی که اصل و ریشه صور طبیعت و اشجار و گل‌ها و پرندگان و نیز پدیده‌هایی که در درون روح انسان متجلی می‌شود، از آن سرچشمه می‌گیرد. (مددپور، ۱۳۸۶: ۴۳۳-۴۳۲). در برخی نگاره‌های مختلف اندازه جبرئیل بزرگ‌تر از پیامبر^(ص) است که به نوعی بر بالا بودن مقام وی از دیگر فرشتگان و با توجه به روایات، مبنی بر عظیم‌الجثه بودن وی می‌تواند ترسیم شده باشد. فرشتگان در نقاشی ایرانی «شمایل انسانی» دارند، همانند اکثر نگاره‌های اسلامی که تنها وجه قابل قیاس آن‌ها با یک فیگور انسانی و داشتن بالی با پره‌های فراوان است.

در قرآن در باب بال فرشتگان آمده است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةَ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنَحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ» (فاطر: ۱). همه حمدها مخصوص خداست که آسمان‌ها و زمین را ایجاد کرد و فرشتگان را رسولانی قرار داد، دوباله، سه‌باله و چهارباله و او هر چه بخواهد در خلقت اضافه می‌کند که او به هر چیزی تواناست. کلمه «أَجْنَحَه» جمع «جناح» است، که در پرندگان به منزله دست انسان است و پرندگان به وسیله آن پرواز می‌کنند، وجود فرشتگان نیز مجهز به چیزی است که با آن از آسمان به زمین و از جایی به جای دیگر می‌روند، گویا خداوند فرموده: بعضی از فرشتگان را، دو بال داده و بعضی را سه بال و بعضی را چهار بال؛ و جمله «يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ» برحسب سیاق، اشاره به این نکته است، که بعضی از ملائکه بیش از چهار بال هم دارند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶/۱۷).

تصویر بال در نقاشی‌های ایرانی بسیار متنوع است و یکی از راه‌های تشخیص مکتب و حتی نقاش تصویرگر، شکل بال‌هاست. به این ترتیب که یا مانند بال پرندگان ملو از پره‌های رنگین است یا با شکل‌های شعله‌سان و برش‌دار. سهروردی فرشتگان را دارای دو بال که یکی رو به سمت بالا نماد (سفیدی) و دیگری رو به سمت پایین (سیاهی) توصیف کرده است، در نگارگری نیز عموماً یک بال به سمت بالا و دیگری به سمت پایین است که البته با توجه به حالت پرواز جبرئیل نیز هست. درجایی هم جبرئیل هرچند در حال پرواز است ولی بال او حالت پرواز نداشته و در طرفین وی قرار دارد. از طرفی در روایات برای جبرئیل تا ششصد بال که گاهی آراسته به مروارید است

یادشده که در هیچ نگاره‌ای تصویر نشده. رنگ بال‌ها در نگارگری از تنوع خاصی برخوردار است، آبی و قرمز، زرد و سرمه‌ای، سفید، بنفش، قهوه‌ای پررنگ، سبز تیره، زیتونی، از رنگ‌هایی است که استفاده‌شده ولی تقریباً در همه تصاویر از دو رنگ مکمل قرمز و سبز استفاده شده است.

جبرئیل در معراج‌نامه میرحیدر

معراج‌نامه دارای موضوعی عرفانی است که در آن بینش‌های شگفت‌انگیز و الهام‌بخشی را که مشخص‌کننده مراحل عروجی معجزه‌آسا است، در شبی که مؤسس اسلام به بارگاه الهی دست پیدا می‌کند، شرح می‌دهد.^۲ عروج پیامبر^(ص) با الهام از اولین آیه سوره الاسراء صورت می‌گیرد که می‌فرماید: «ثنا مخصوص اوست که بنده خود را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (اورشلیم) فرستاد». این سفر شبانه به‌عنوان عروج در مرحله‌ای است که پیامبر توسط فرشته‌ای به‌نام جبرئیل از مسجدالحرام در مکه به اورشلیم هدایت می‌شود و از آنجا تا دورترین نقطه آسمان هفتم، جایی که بنیان‌گذار اسلام مجاز می‌شود مشتاقانه در ساحت قدس الهی وارد شود، می‌رود. از اولین قرون هجری، این محتوا و مبحث در داستان‌های عمومی مسلمانان و پس از آن با تفصیل‌های تئوری-عرفانی یا ادبی که به‌تدریج در اعتقادات الهی-مذهبی مسلمانانی که متکی به تصورات رستاخیز بودند- وسعت داده شد (شایسته‌فر، ۱۳۸۸: ۱۹).

توجه و تأمل شعرا و ادبای ایران به واقعه معراج در آغاز دیوان‌های خود که بر اساس سنتی مرسوم با سپاس حق تعالی و مدح و نعت حضرت رسول‌الله^(ص) همراه بود، نشان از اهمیت این واقعه و گرایش فوق‌العاده عرفا و شعرای ایرانی و مسلمان دارد؛ به‌ویژه که فضای خاص مثالی و انتزاعی آن بیش از هر واقعه دیگری از واقعیات زندگی پیامبر اکرم^(ص)، با ذهن خیال‌انگیز و مثال‌پرداز آنان مطابقت و هماهنگی می‌کرد (بلخاری، ۱۳۸۸: ۶۹). واقعه شگفت‌انگیز معراج پیامبر^(ص) از مضامین بلند مذهبی است که در تمام ادوار فکری مورد توجه نگارگران قرار گرفته و نگاره‌های متعددی از آن تولید شده است. اهمیت این مضمون در نقاشی ایرانی به حدی است که نمی‌توانیم تصویری مذهبی و ژرف‌تر از این در جهان اسلام بیابیم (ولش، ۱۳۷۵: ۱۱). تصویرگری معراج‌نامه‌ها از دوره ایلخانی شروع و تا دوره قاجار ادامه می‌یابد.

معراج‌نامه میرحیدر در دوره تیموری از معروف‌ترین نسخ مصور شده با موضوع معراج است که تصاویر شگفت‌انگیزی را با تکیه بر احادیث، روایات مذهبی و خلاقیت هنرمندان به نمایش می‌گذارد. توانایی و خلاقیت ذهنی در فضا‌سازی و توانمندی در طراحی و رنگ‌آمیزی از ویژگی‌هایی هستند که نگاره‌های این مجموعه را از آثاری با موضوع مشابه متمایز ساخته است. (تهرانی، ۱۳۸۹: ۲۴) این نسخه ضمن روایت تجسمی مراحل معراج با نوعی تأثیرپذیری از عناصر شرقی و تحت چهارچوب‌های سبکی مکتب هرات، شخصیت‌ها و عناصر و نقش‌مایه‌های ویژه‌ای را نیز دارا است. معراج‌نامه شاهرخ محفوز در کتابخانه ملی پاریس است که میرحیدر شاعر و نامه‌نگار دربار، در سال ۵۸۴۰ق، به دستور شاهرخ تیموری از عربی به ترکی ترجمه کرده و مالک‌بخشی هراتی آن را به خط اویغوری کتابت کرد. این نسخه بزرگ (۳۴ × ۲۲/۵ سانتی‌متر) با ۲۶۵ صفحه، دارای ۶۱ نگاره است.

مجموعهٔ اخیر دستاورد روزگاری است که روحیهٔ اسلامی و عرفانی در جان و دل مسلمانان می‌جوشید و چشمه‌های خلاقیت هنری سرشار بود. لذا تصاویر این مجموعه برجسته‌ترین و کمیاب‌ترین مینیاتورهایی است که صحنه‌های بهشت، دوزخ، رستاخیز، کیفر و پاداش را برحسب تفکر اسلامی به تصویر کشیده و معراج پیامبر همراه با جبرئیل را در گشت‌وگذار بهشت و مشاهدهٔ شکنجه گناهکاران در دوزخ پی‌گرفته است (عکاشه، ۱۳۸۰: ۸۸). در بیشتر نگاره‌هایش حضرت محمد^(ص) و براق و جبرئیل در هنگام دیدار آسمان‌های مختلف از سمت راست وارد نقاشی می‌شوند. در بعضی از تصاویر نیز قسمتی از براق به‌وسیله کادر نقاشی قطع شده است، این راه‌حل‌های تصویری باعث می‌شود که بعد از ورق زدن هر صفحه پیامبر^(ص)، مرکبش و جبرئیل در همان محل دیده شوند و این ویژگی پیگیری وقایع معراج را آسان‌تر می‌کند و چشم بیننده را برای دیدن هر تصویر جدید نگاه را به سمت دیگر نقاشی می‌کشاند (کامرانی، ۱۳۷۹: ۲۶۳). در نگارهٔ در راه اورشلیم ابرهای طلایی فضا را پر کرده و نوعی سنگینی خاصی به تصویر بخشیده است. (تصویر ۱) بال اکثر فرشتگان سه‌قسمتی و با سه رنگ، با غلظت زیاد رنگ‌آمیزی شده است که ترکیبی از رنگ‌های قرمز، زرد و سبز، در بعضی مواقع نارنجی و قهوه‌ای و بنفش بکار رفته است. لباس فرشتگان الوان و با لکه‌رنگ نقطه‌ای، آن‌ها را به‌صورت تزیینی مشاهده می‌کنیم. به‌جز سه فرشته (جبرئیل، میکائیل و اسرافیل) تاج‌دار، بقیه فرشتگان موهای آن‌ها قابل‌رؤیت و تا روی شانه‌هایشان به‌صورت مرتب‌شده قرار گرفته است (دادور، ۱۳۹۶: ۴۵)



تصویر ۱: پیامبر اکرم^(ص) در راه اورشلیم، معراج‌نامه میرحیدر، مکتب هرات، ۸۴۰ ه.ق: ۵، محل نگهداری: کتابخانه ملی پاریس،

مأخذ: http://www.bnf.fr/fr/m/m_accueil.html



تصویر ۲: دیدار پیامبر اسلام و پیامبران، معراج‌نامه میرحیدر، مکتب هرات، ۵۸۴۰ ه. ق: ۲۳، محل نگهداری: کتابخانه ملی پاریس، مأخذ: همان

جبرئیل یکی از سه فرشته‌ای است که در جلوی پیامبر و براق قرار دارد و پشت سر میکائیل ایستاده، تفاوت این سه فرشته با دیگر فرشتگان در این است که روی سر خود تاج دارند. تاج نشانه متفاوت بودن و بالاتر بودن مقام از دیگر فرشتگانی است که در معیت پیامبر هستند و فرشتگان دیگر فاقد چنین تاجی هستند. این تاج نشانه قداست و کرامات این سه فرشته است. نگاه جبرئیل و میکائیل به سمت پیامبر (ص) است، رنگ لباسش قهوه‌ای است که با نقوش تزیینی طلایی روی سرشانه‌ها به نمایش درآمده است. همچنین نوع بال این دو فرشته با بقیه فرشتگان متفاوت است (سگای، ۱۳۸۵: ۳۵). در برخی از تصاویر که جبرئیل، پیامبر اسلام (ص) را هدایت می‌کند، جبرئیل دارای هیچ عالم نور نیست که تا زمان ورود به آسمان هفتم این به‌طور کلی نشان داده شده است. باین‌حال استثنا وجود دارد. در بعضی موارد که پیامبر اسلام (ص) از دیگر پیامبران الهی بازدید می‌کند، جبرئیل در اطراف سر خود هیچ نوری ندارد. فقدان هاله در چنین مواردی به دو دلیل است: اول، برای شناخت بهتر پیامبران از شخصیت‌های دیگر. دوم، وضعیت رتبه بالاتر انسان به فرشتگان را نشان می‌دهد که وقتی خدا آدم را ایجاد کرد به فرشتگان دستور داد تا به آدم سجد کنند (Ramezani, 2012: 21-22). در این تصویر جبرئیل به حالت احترام و تکریم پیامبران، به ابلاغ پیام الهی و راهنمایی رسول‌الله (ص) پرداخته و پیامبران نیز به جبرئیل و حضرت محمد (ص) اکرام متقابل دارند (تصویر ۲). تصویر ۳، جبرئیل را به‌صورت بزرگ و اصلی‌اش نمایان کرده است که دارای هاله نور است و به‌احتمال زیاد در آسمان هفتم و نزدیک سدره‌المنتهی است و پیامبر (ص) را برای ورود به آنجا دعوت می‌کند و می‌گوید: اجازه بالاتر رفتن بیش از این مرحله را ندارد. خصوصیات قوت و قدرت و شدت بالغه جبرئیل در این تصویر نشانی از آیه ۲۰ تکویر (ذی قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ) دارد که بازتاب معنی (ذی قُوَّة) است. در اینجا تاج جبرئیل همان‌طور که در تصاویر دیگر مشخص است به صورتی متفاوت نقش شده و نماد و مثالی از لقب (مکین) برای اوست، یعنی دارای مقام و منزلت والاّی است.



تصویر ۳: جبرئیل به اندازه واقعی در معراج، معراج‌نامه میرحیدر، مکتب هرات، ۸۴۰ ه.ق: ۳۶، محل نگهداری: کتابخانه ملی پاریس، مأخذ: همان



تصویر ۴: دیدار پیامبر اسلام و ابراهیم، معراج‌نامه میرحیدر، مکتب هرات، ۸۴۰ ه.ق: ۲۹، محل نگهداری: کتابخانه ملی پاریس، مأخذ: همان

پس از ورود به آسمان هفتم که به‌طور کامل از نور ساخته شده است، جبرئیل دارای هاله نور در اطراف سر خود تا پایان سفر از آسمان به جهنم است. هنگامی که جبرئیل و حضرت محمد^(ص) به بهشت هفتم می‌رسند و از ابراهیم^(ع) دیدن می‌کنند، جبرئیل دوباره دارای یک هاله نور است که نمایانگر مقام و مأموریتش است. هاله نور را در اطراف فرشتگان نیز قرار داده‌اند. (تصویر ۴) در واقع در آسمان هفتم که به‌طور کامل از نور ساخته شده و بالاترین سطح آسمان‌هاست، همه از نور الهی برخوردار می‌شوند (2012: Ramezanmahi,21-22).

هاله نور اطراف سر جبرئیل در بیشتر تصاویر حجم کمتری نسبت به هاله نور اطراف پیامبر دارد زیرا نشان مقام معنوی برتر و عظیم پیامبر^(ص) است. در این تصویر جبرئیل در حال گفتگو با ابراهیم^(ع) و معرفی پیامبر^(ص) به ایشان است و پیامبر^(ص) نیز باحالتی احترام‌آمیز گوش جان به صحبت جبرئیل دارد که امین وحی الهی است و با تکریم به ابراهیم^(ع) ایشان را می‌نگرد. در گوشه راست تصویر، فرشتگان درباره این صحنه به صحبت پرداخته و باز حالتی مطیع نسبت به جبرئیل دارند که به فرمایش امام سجاد^(ع): جبرئیل دارای ویژگی (المُطَاعُ فِي أَهْلِ سَمَوَاتِك) است.

در بیشتر نگاره‌ها، لباس جبرئیل دارای چندین رنگ است اما در موارد زیادی ردایی سبزرنگ روی جامه‌هایش تصویر شده، سبز، رنگ سبزه و آب است و از آن عالی‌همتان و زنده‌دلان است و این رنگ را حضرت رسالت^(ص) بسیار می‌پوشید و می‌پسندید (واعظ‌کاشفی، ۱۳۵۰: ۱۶۸). نمود این رنگ در ردای جبرئیل نشانی است از سخن کتاب مقدس که واژه روح را در روح‌القدس، مبدع و مخترع حیات تشبیه کرده و اشاره دارد به مجرد بودن و روحانیتش و اینکه او سرچشمه حیات و زندگی است. در سوره کهف آیه ۳۱، به لباس بهشتیان با این رنگ اشاره شده (وَ يَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَ إِسْتَبْرَقٍ [...])، بنابراین رنگ سبز به قدسی و بهشتی بودن جبرئیل نیز اشاره دارد.

جدول ۱: نمود عرفانی بال جبرئیل در برخی نگاره‌های معراج‌نامه میرحیدر

نگاره‌هایی با خصوصیات مشابه در جهت بال جبرئیل	تحلیل عرفانی
 <p>تصویر ۶: دیدار پیامبر ص از خروس سفید، معراج‌نامه میرحیدر، مکتب هرات، ۸۴۰ ه.ق: ۱۱، محل نگهداری: کتابخانه ملی پاریس، مأخذ: همان</p>	 <p>تصویر ۵: شروع سفر پیامبر ص از خانه ام هانی، معراج‌نامه میرحیدر، مکتب هرات، ۸۴۰ ه.ق: ۴، محل نگهداری: کتابخانه ملی پاریس، مأخذ: همان</p>
 <p>تصویر ۸: پیامبر ص و جبرئیل در بهشت، معراج‌نامه میرحیدر، مکتب هرات، ۸۴۰ ه.ق: ۴۸، محل نگهداری: کتابخانه ملی پاریس، مأخذ: همان</p>	 <p>تصویر ۷: ورود رسول خاتم ص به آسمان دوم، معراج‌نامه میرحیدر، مکتب هرات، ۸۴۰ ه.ق: ۱۳، محل نگهداری: کتابخانه ملی پاریس، مأخذ: همان</p>
 <p>تصویر ۱۰: پیامبر ص و جبرئیل در گذر از جهنم، معراج‌نامه میرحیدر، مکتب هرات، ۸۴۰ ه.ق: ۶۱، محل نگهداری: کتابخانه ملی پاریس، مأخذ: همان</p>	 <p>تصویر ۹: دیدار پیامبر ص از فرشته هفتاد سر، معراج‌نامه میرحیدر، مکتب هرات، ۸۴۰ ه.ق: ۳۲، محل نگهداری: کتابخانه ملی پاریس، مأخذ: همان</p>

در این تصاویر و تصاویر ۲ و ۴، بال جبرئیل بنا به نظر سهروردی یکی به سمت بالا و دیگری به سمت پائین است، شیخ اشراق در رسالۀ آواز پر جبرئیل با تشریح دوبال جبرئیل که هر کدام کلمات موجود در عالم، از آن دوبال آفرید می‌شود، می‌گوید: (جبرئیل را دو پر است، پر راست نور محض است، همگی آن پر مجرد اضافت بود اوست به حق. پر چپ، پاره‌ای نشان تاریکی بر او، هم‌چون کلفی بر روی ماه.

جدول ۲: نمود عرفانی مقام جبرئیل در نگاره‌های معراج‌نامه میرحیدر

نگاره‌هایی مشابه در خصوص صفت مُطاعِ ثَمَّ امین و نام طاووس الملائکه	تحلیل عرفانی
 <p>تصویر ۱۲: جبرئیل با بال‌های گشوده و ۴ فرشته، معراج‌نامه میرحیدر، مکتب هرات، ۸۴۰ ه.ق: ۲۲، محل نگهداری: کتابخانه ملی پاریس، مأخذ: همان</p>	 <p>تصویر ۱۱: جبرئیل با بال‌هایی باز و دیدار ۵ فرشته، معراج‌نامه میرحیدر، مکتب هرات، ۸۴۰ ه.ق: ۱۷، محل نگهداری: کتابخانه ملی پاریس، مأخذ: همان</p>
 <p>تصویر ۱۴: پیامبر^(ص) و جبرئیل در بهشت، معراج‌نامه میرحیدر، مکتب هرات، ۸۴۰ ه.ق: ۵۰، محل نگهداری: کتابخانه ملی پاریس، مأخذ: همان</p>	 <p>تصویر ۱۳: جبرئیل در معرفی ۳ فرشته، معراج‌نامه میرحیدر، مکتب هرات، ۸۴۰ ه.ق: ۲۴، محل نگهداری: کتابخانه ملی پاریس، مأخذ: همان</p>
<p>به‌گفته علامه مجلسی یکی از نام‌های جبرئیل طاووس الملائکه است، در این تصاویر جبرئیل با بال‌هایی باز نمایان است، و این مورد در روایتی از پیامبر^(ص) است که در تفسیر کلمه روح الامین در سوره شعرا، آن را به جبرئیل با بالهای گشوده همچون طاووس، تأویل نموده‌اند.</p>	

جبرئیل در نگاره معراج سلطان محمد

برگ مصوری از خمسه نظامی که به نام شاه‌تهماسب در (۹۵۰-۹۴۶ق)، در مکتب تبریز دوم (صفوی)، به قطع (۶/۱۸×۷/۲۸) سانتیمتر تهیه شد، نگاره معراج سلطان محمد است. قطعات متن نوشتاری آن در کتیبه به خط محمود نیشابوری، قسمتی از مدح نظامی گنجوی است که در وصف معراج رسول‌الله^(ص) در منظومه هفت‌پیکر سروده، خوشنویسی شده است. این نگاره یکی از زیباترین نگاره‌های تاریخ نقاشی ایرانی و اثری از شاهکارهای نقاشی صفوی به شمار می‌آید. سلطان محمد لحظه ورود حضرت رسول^(ص) به طبقات افلاکی را برگزیده و

در آن بهترین دستاوردهای هنری را درآمیخته و به‌گونه‌ای هماهنگ ترکیب کرده که آرایشی باشکوه، غنای عاطفی، تحرک و طنین رنگ‌های مؤثر و درخشان حکم‌فرماست. حالت نگاره نشانگر صعود در کل مجموعه به‌خصوص تداعی‌کننده واقعه معراج با موضوعی مذهبی و معنایی عرفانی است. (تصویر ۱۵) تامس آرنولد در کتاب نقاشی اسلامی با وصف این نگاره معتقد است که: شخصیت‌های اصلی‌اش، جبرئیل و محمد^(ص) است گرچه فرشتگانی بالای سر او در آسمان لاجوردینه و بیکران پرمی‌کشند و او را مشایعت می‌کنند (آزند، ۱۳۸۴: ۶۸). جبرئیل با دعوت پیامبر^(ص) به سمت جلو در جلوی براق قرار دارد و هاله‌ای از نور اطراف سرش را پوشانده و وظیفه هدایت معنوی پیامبر^(ص) و نشان دادن عجایب آسمان‌ها و شرح آن‌ها را بر عهده دارد. جبرئیل در سمت چپ نگاره جلوی براق باحالتی ظریف و موزون دارای رنگ لباس متمایز از دیگر فرشتگان و تاجی زرین بر سر (کلاه جبرئیل باشوکت رنگ طلایی و قدرت رنگ سیاه) ترسیم‌شده است (تصویر ۱۶)، در فتوت نامه سلطانی آمده: رنگ سیاه‌رنگ شب است و رنگ مردمک دیده و نشان مردمی که دل ایشان خزانه اسرار باشد (واعظکاشفی، ۱۳۵۰: ۱۶۸) که به فرموده امام سجاد^(ع): جبرئیل (الامینُ علی و حیک) و از رازداران و کلیدداران غیب است.



تصویر ۱۵: نگاره معراج، اثر سلطان محمد تبریزی، خمسه تهماسبی، مکتب تبریز، ۹۵۰-۹۴۶ ه.ق: f.195r.

محل نگهداری: موزه بریتانیا، لندن، مأخذ: www.bl.uk/manuscripts/viewer.aspx



تصویر ۱۶: جبرئیل در جلوی پیامبر^(ص) به عنوان راهنما، خمسه تهماسبی، مکتب تبریز، ۹۵۰-۹۴۶ ه.ق: f.195r، محل نگهداری: موزه بریتانیا، لندن، مأخذ: همان

شکل و حالت جبرئیل در این نگاره با حرکت عروجی درکل نگاره هماهنگ شده و صلابت او در ایستایی اندامش نشانگر صفت بارز او در آیه (ذومِرَّةٌ فَاسْتَوَى) است که به گفته علامه طباطبایی کلمه (فاستوی) به معنای استقامت و مسلط شدن بر کار است. حالت چرخش فرشتگان نیز به صورتی دایره‌وار که در نتیجه به جبرئیل ختم می‌شود، به مثابه فرمان‌برداری و اطاعت از مسیری است که پیش روی جبرئیل است و نمودی از آیه ۲۱ تکویر (مُطَاعِ ثَمَّ أَمِين) است. تأکید نگارگر بر این ملک مقرب نسبت به دیگر ملائک با ردایی آبی‌رنگ و بال‌هایی ظریف و رنگارنگ و حرکتی نرم رو به جلو به خوبی نمایان شده است. رنگ آبی لباسش نمادی از آسمان و رنگ جامه زیرین آبی که خودرنگ است به مثابه خاک و زمین است. همان‌طور که در فتوت نامه اشاره دارد به اینکه: خودرنگ، رنگ خاک است و از آن مردم نیکونهاد و متواضع (همان: ۱۶۹). در بیت سوم کتیبه (آن امین خدای در تنزیل وین امین خرد بعقل دلیل) که بیانگر لقب جبرئیل و روح‌الامین بودن این ملک در وحی الهی، به خصوص وحی آیات قرآن کریم به قلب پیامبر^(ص) است، توجه نگارگر به این بخش شعر جهت صفت امین برای جبرئیل که شرط اصلی هدایت، رهبری و پیغام‌رسانی است، شاخص می‌باشد. هاله‌های نور با

حجم وسیع در اطراف پیامبر^(ص) و اطراف سر جبرئیل برای نشان دادن تقدس و عروج است. اوج این هاله‌ها چشم را به سمت بالا می‌کشاند و در پویایی نگاره تأثیر گذاشته و جلوه‌ای عرفانی به آن می‌بخشد. جبرئیل با هاله نور از دیگر فرشتگان متمایز گشته، نور عنصری مهم برای نشان دادن معنویت پیامبر و عنصری تأکیدی جهت مقام والای پیامبر^(ص) و جبرئیل است. اول چیزی که خدای تعالی در عالم ملکوت بیافرید عقل اول بود^۲ همان‌طور که اشاره شد جبرئیل که مظهر عقل اول است در اینجا با هاله نور به‌مانند مثالی از کلمه (نومرّه) نمایان گشته که صاحب‌کمال عقل، درایت و بصیرت است. سلطان محمد جبرئیل را در حالتی روحانی و ملکوتی مصور کرده تا لطافتش به‌عنوان روح‌القدس که به معنای طهارت و پاکی است، نمود یابد. به گفته مددپور، نکته اساسی در مفهوم هنر مقدس در شرق و عالم اساطیری و تشبیهی، تجسد الوهیت در وجود ناسوتی و سریان لاهوت در ناسوت و پیکره و شمایل انسانی و جاندار است. صورت خیالی هنر به‌قداست اصل الهی برمی‌گردد (مددپور، ۱۳۸۶: ۲۹۳-۲۹۲). بنابراین تصویر جبرئیل در نگارگری نمادی است که هنرمند با نیروی خلاق شهود و ارتباط با جهان معنوی برای ما ظاهر می‌کند.

نتیجه‌گیری

مصور کردن فرشته‌ها نتیجه جهان‌بینی، باورها و تخیلات هنرمند است. وقتی نگاه هنرمند به ملکوت آسمان‌ها گرایش داشته و در تجلی زیبایی الهی بکوشد، تصاویر فرشته‌ها به عالم مجردات نزدیک‌تر می‌شود. با توجه به ماهیت بیان‌شده از منظر قرآن مجید، کتاب آسمانی اسلام و روایات دینی و آموزه‌های عرفانی در مورد جبرئیل^(ع) این‌طور به نظر می‌رسد: اوصافی که در مورد ایشان روایت‌شده حاکی از معانی والا و بسیار عمیقی است که در جایگاه پیک وحی الهی و مأمور خداوند متعال واسطه علوم و معارف عالم بالا قرار گرفته است. در هنر قدسی و هنر اسلامی جایگاه جبرئیل در نگاره‌های معراج به‌عنوان پیشرو و راهنما و پیغام‌رسان برای پیامبر اسلام^(ص) در مسیر معراج معرفی شده و نقش و حالت ایشان به‌واسطه القابی مانند روح‌الامین، ذی‌قوه، مکین، مطاع ثم امین و نومرّه، نمودار گشته و از صفاتش تأثیر پذیرفته است. نگارگری در هنر اسلامی-ایرانی جایگاه جبرئیل را به‌عنوان ملک مقرب درگاه الهی بازتابی از جهان مثال و خیال نشان داده و گاهی با شهودی حیرت‌انگیز توسط نگارگر به مدد تصور و خیال ما آمده است تا صفات این موجود مجرد و روحانی را از طریق تصویری مثالی به رؤیت ما درآورد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. این کتاب نسخه خطی در کتابخانه ملی فرانسه است، به نشانی (http://www.bnf.fr/fr/m/m_accueil.html)
۲. يُنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِ عَلِيٍّ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْزِلُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ (نحل: ۲).
۳. معراج، به عروج پیامبر اسلام از مسجدالاقصی به آسمان‌ها گفته می‌شود. به نقل از منابع اسلامی، پیامبر^(ص) در شبی، از مکه به مسجدالاقصی انتقال یافت و از آنجا به آسمان عروج کرد.
۴. در حدیثی نبوی آمده است: «اول ما خلق الله العقل»، آغاز آفرینش حق تعالی با نور من بود و از نور من علی^(ع) آفریده شد و سپس عرش و لوح.

فهرست منابع

قرآن کریم

- آژند، یعقوب. (۱۳۸۴). *سیمای سلطان محمد نقاش*. تهران: فرهنگستان هنر.
- ابوعلی سینا. (۱۳۶۶). *معراج‌نامه*. تصحیح و تعلیق نجیب مایل هروی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- بلخاری قهی، حسن. (۱۳۸۸). *اورنگ*. تهران: سوره مهر.
- بورکهارت، تیتوس، و همکاران. (۱۳۷۰). *جاودانگی و هنر*. ترجمه محمدآوینی. تهران: برگ.
- پاکباز، رویین. (۱۳۹۳). *دایره المعارف هنر (نقاشی، پیکره سازی، گرافیک)*. تهران: فرهنگ معاصر.
- تهرانی، رضا. (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی عناصر ساختاری در معراج‌نامه احمد موسی و معراج‌نامه میرحیدر». *نگره*. (شماره ۱۴)، ۲۷-۲۳.
- دادور، ابوالقاسم، و همکاران. (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی نگاره «در راه اورشلیم» و نگاره «معراج» اثر سلطان محمد (با تأکید بر پیامبر، جبرئیل و براق)». *پژوهش در هنر و علوم انسانی*. (شماره ۵)، ۶۶-۴۱.
- دستغیب، سید عبدالحسین. (۱۳۸۵). *معراج (تفسیر سوره نجم)*. مقدمه و تصحیح محمد هاشم دستغیب. قم: دارالکتاب، قم.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۶). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی. (۱۳۷۲). *مجموعه مصنفات*. ج ۳-۱. با تصحیح و مقدمه هانری کربن. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سگای، ماری‌رز. (۱۳۸۵). *سفر معجزه‌آسای پیامبر*. ترجمه مهناز شایسته‌فر. تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.
- شایسته‌فر، مهناز. (۱۳۸۸). «حضور نمادین پیامبر در معراج‌نامه شاه‌رخی». *کتاب ماه هنر*. (شماره ۱۲۳)، ۲۳-۱۴.
- صحیفه سجادیه. (۱۳۹۳). ترجمه ابوالحسن شعرانی. تهران: بین‌الملل.
- صفرزاده، نغمه. (۱۳۹۳). «مقایسه تطبیقی تصویر فرشتگان در نگاره‌های (اسلامی) ایران با نقاشی (دوره‌های بیزانس و رنسانس) در اروپا». *چیدمان*. (شماره ۶)، ۶۵-۵۴.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- عکاشه، ثروت. (۱۳۸۰). *نگارگری اسلامی*. ترجمه غلامرضا تهامی. تهران: حوزه هنری.
- قریشی، سید علی‌اکبر. (۱۳۷۲). *قاموس قرآن*. ج ۲. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کامرانی، بهنام. (۱۳۷۹). «رمزشناسی معراج جبرئیل، همایش‌های ایران». *مجموعه مقالات همایش نخستین دوسالانه بین‌المللی نقاشی جهان اسلام*. ۲۷۷-۲۴۶.
- کری‌ولش، استورات. (۱۳۷۵). «نگارگری نسخ خطی در ایران». ترجمه محمد طریقی. *هنر*. (شماره ۳۰)، ۱۶۸-۱۰۱.
- کلینی، ثقة‌الاسلام. (۱۳۷۹). *اصول کافی*. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- کمره‌ای، علیرضا. (۱۳۹۱). «وحی رسالی از دیدگاه ابن عربی». *حکمت عرفانی*. (شماره ۳)، ۱۳۸-۱۰۵.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۵۱). *آسمان و جهان (جلد ۱۴ بحارالانوار)*. ج ۳. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: اسلامیه.
- مددیپور، محمد. (۱۳۸۶). *حکمت انسی و زیبایی‌شناسی عرفانی هنر اسلامی*. تهران: سوره مهر.
- مددیپور، محمد. (۱۳۹۰). *آشنایی با آرای متفکران (مسیحی و مسلمان) درباره هنر*. ج ۳-۴. تهران: سوره مهر.
- موسوی، سید محسن. (۱۳۹۳). «نام‌های جبرئیل». *رشد آموزش معارف اسلامی*. (شماره ۹۴)، ۵۰-۵۲.
- مولوی، مریم. (۱۳۹۲). «بررسی جبرئیل در حکمه‌الاشراق سهروردی و هنر نگارگری ایرانی». *نقش‌مایه*. (شماره ۱۴)، ۷۸-۶۵.
- نصر، سید حسین. (۱۳۹۴). *هنر و معنویت اسلامی*. ترجمه رحیم قاسمیان. تهران: حکمت.
- نعمت‌الله، یوسفیان. (۱۳۹۰). «از زلال صحیفه سجادیه شرح دعای سوم». *حصون*. (شماره ۳۴)، ۳۵-۱۹.
- واعظ‌کاشفی، مولانا حسین. (۱۳۵۰). *فتوت‌نامه سلطانی*. به اهتمام محمدجعفر محبوب. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- Somayeh Ramezanzmahi & Bolkhari Ghehi, Hasan. (2012). "The Manifestation of Fire and Light in the Icons of Mir-Heidar's Miraj Nameh". *International Journal of Arts*. (vol 2), 16-25.